

## The Philosophy of Al-Shariah Intentions in Shari'a Tricks Approaching the Imam Khomeini's Jurisprudential Views

Seyyed Mehdi Nejadehshami<sup>1</sup>, Ali Bahrami Nejad<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Student of Jurisprudence and Law Basics of Imam Khomeini, Faculty of Literature and Humanities, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Shorideh<sup>2</sup>@Gmail.com

<sup>2</sup>Assistant Professor, Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Literature and Humanities, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). ali.b.nejad@Gmail.com

### Abstract

The prosperity and dynamism of the Islamic society depends on the political and economic character accepted by the Shari'a on the one hand, as well as the strategies that lead to the prosperity of the production cycle. Including the interest-free economy, accreditation of the intention of the parties to the contract to prevent the influence of foreigners. In this regard, the model of resistance economy can be linked on the one hand with the philosophy of the goals that Muslims have of doing economic activity, and all the tricks that are against the intentions of the Islamic society are rejected. Therefore, the intentions and actions of Muslims on the one hand, and the intentions and actions of the other party to the treaties, on the other hand, must be taken into account so that the way of foreign influence under the heading of economic contracts on Muslims is not opened. Therefore, in this study, on the one hand, it examines the intention and intentions in contracts for the purposes of the Shari'a, and on the other hand, the threats that can be inflicted on the economy of Islamic countries by the hegemonic countries are examined according to the statements of the Supreme Leader and Imam Khomeini. To cover the ways of abuse and weaknesses and to have an Islamic Islamic economic society resistant to internal and external (foreign) threats.

**Keywords:** Resistance Economics, Sharia Purposes, Islamic Economics, Usury, Ruhollah Khomeini.

## فلسفه مقاصد الشریعه در حیل شرعی با رویکردی به نظرات فقهی امام خمینی

سید مهدی نژاد هاشمی<sup>۱</sup>، علی بهرامی نژاد<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق و اندیشه‌های امام خمینی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. Shorideh<sup>۳۰</sup>@Gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). ali.b.nejad@Gmail.com

### چکیده

شکوفایی و پویایی جامعه اسلامی به منش سیاسی و اقتصادی مورد پذیرش شرع از یکسو و نیز راهکارهایی که سبب رونق چرخه تولید می‌شود، بستگی دارد. از جمله اقتصاد بدون ربا، اعتبارسنجی قصد طرفین قرارداد در جلوگیری از نفوذ بیگانگان. در این راستا الگوی اقتصاد مقاومتی می‌تواند از طرفی با فلسفه مقاصد که مسلمین از انجام فعالیت اقتصادی دارند، پیوند داشته باشد و کلیه حیلی که در جهت خلاف مقاصد جامعه اسلامی باشند، مردود است. لذا، نیت و اعمال مسلمین از یکسو و نیت و اعمال طرف دیگر قراردادها، از سوی دیگر می‌بایست مورد توجه قرار گیرد تا مبادا راه نفوذ اجنبی‌ها تحت عنوان قراردادهای اقتصادی بر مسلمین مفتوح شود. بنابراین، در این پژوهش از یکسو به بررسی قصد و نیت در عقود در راستای مقاصد شارع پرداخته و از سوی دیگر تهدیداتی که از جانب کشورهای سلطه‌گر بر اقتصاد کشورهای اسلامی می‌تواند وارد شود، با توجه به بیانات مقام معظم رهبری و امام خمینی بررسی شده است، تا طرق سوء استفاده و نقاط ضعف پوشش داده شود و جامعه اسلامی اقتصادی مقاوم در برابر تهدیدات درونی و بیرونی (اجنبی) داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد مقاومتی، مقاصد الشریعه، اقتصاد اسلامی، ربا، امام خمینی.

## ۱- مقدمه

آنچه در اقتصاد اسلامی نسبت به دیگر جوامع اقتصادی بروز و ظهور بیشتری دارد، صحت قراردادها از لحاظ ظاهری و باطنی است، در این اقتصاد، نیت و اعمال می‌بایست در جهت اهداف و اغراض شارع مقدس باشد و هماهنگی بین اعمال و نیت در جهت مصالح جامعه اسلامی از اهمیت شایانی برخوردار است. لذا، در جامعه اسلامی با نظر به حدیث نبوی «الاعمال بالنیات»، و قاعده نفی سبیل، هیچ مسلمانی نمی‌تواند از طرق نامشروع کسب مال نماید، یا اینکه اجازه دهد کشورهای اجنبی سلطه اقتصادی، سیاسی، یا اجتماعی و فرهنگی بر کشورهای مسلمان داشته باشند. در این راستا، فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی ما را بر آن داشت به پژوهشی پردازیم تا به این سوال پاسخ داده شود که قصد و نیت چه تاثیر در عقود که با مصالح جامعه اسلامی همراه نیست، دارد؟ با در نظر گرفتن این مطلب که کلیه قراردادهایی که از طرف کشورهای بیگانه با مسلمین بسته می‌شود را نمی‌توان با حسن نیت به آن نگریست، و با توجه به قاعده نفی سبیل و فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی، به این نتیجه رهنمود می‌شویم که کلیه مقاصدی که به ضرر منافع کشورهای اسلامی منجر شود آن عقود از اساس باطل و عمل به آن حرام می‌باشد. مبین این مطلب از طرفی علاوه بر قاعده نفی سبیل، اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز می‌باشد که سیاست خارجی ایران باید براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری تنظیم شود. از این رو به جای اینکه دست نیاز به سوی کشورهای سلطه‌گر در جهت اخذ وام یا قراردادهای تجاری و اقتصادی باز شود، شایسته به نظر می‌رسد به مقوله اقتصاد مقاومتی، تولید و جهش تولید داخلی پرداخته شود و از طرفی حدیث نبوی «الاعمال بالنیات» نیز مبین راه پیشرفت و توسعه پایدار اقتصاد اسلامی خواهد بود، آن زمان که نیت‌ها بر مبنای خیرخواهی جامعه اسلامی باشد، نه دیگر اهداف سودجویانه دولت‌های سلطه‌گر.

## ۲- حدیث نبوی «الاعمال بالنیات»

«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ أَمْرٍ مَّا نَوَى فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَهِيَ حُرَّةٌ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَّكِفُهَا فَهِيَ حُرَّةٌ إِلَى مَا هَا جَرَّ إِلَيْهِ»: «اعمال به نیت است، و هر کس را آن چیزی است که نیت کرده است؛ هر که هجرتش به سوی خدا و رسول او بوده، هجرتش به خدا و رسول اوست، و هر که هجرتش به سوی دنیایی بوده است که بدان رسد یا زنی که با او همسر شود، هجرتش به همان چیزی است که آهنگ آن کرده است (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۳۰).

---

<sup>۱</sup> اصل یکصد و پنجاه و دو: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است.

نزد فقها چنین مشهور است که سبب این فرموده رسول خدا(ص) آن است که مردی از مکه به مدینه هجرت کرد، اما نه بدان هدف که فضیلت هجرت را به چنگ آورد، بلکه بدان هدف که با زنی به نام ام قیس ازدواج کند. پیامبر(ص) به او خبر داد که تنها بهره او از هجرتش همان چیزی است که در سر پرورانده و در دل نهان داشته است، نه آنچه آشکار ساخته و از آن سخن رانده است. گفته‌اند: از همین رو در این حدیث از میان همه هدف‌های دنیایی، تنها از آن زن نام برده شده است (عسقلانی، ۱۳۰۱ق، ج ۱، ص ۱۳-۷).

از پیامبر گرامی اسلام(ص) نقل شده که فرمودند: «کرده‌ها به نیت‌هاست و برای هرکس است آنچه خود نیت کرده است» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، باب ۵، ص ۳۵). این حدیث دلالت بر این دارد که اعمال تابع مقاصد و نیت افراد است. ابن حجر می‌گوید از این حدیث ابطال هر عملی که قصد آن مخالف قصد شارع از جمله حیل باشد، اعتبار شده است، زیرا دلالت بر این دارد که هر عملی به نیت و قصد آن بستگی دارد و هر کسی قول و عملش یکی نیست، بنده پروردگار نمی‌باشد (عسقلانی، ۱۳۰۱ق، ج ۱۲، ص ۳۲۷-۳۲۸). ابن تیمیه استدلال بر این حدیث را از باب سد ذرایع و ابطال حیل و هر آنچه با مقاصد الشریعه ناسازگار است را مورد تاکید قرار می‌دهد (ابن تیمیه، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۳۱). بحیری می‌گوید: «این حدیث بر آن دلالت می‌کند که هر عمل چیزی جز واقعیت آن و هر عقد چیزی جز حقیقت آن نیست، و بدین سان هر که به عقد بیع ربا خواهد در ربا افتد و صورت بیع او را از گناه ربا نرہاند؛ هر که به عقد نکاح، تحلیل خواهد، محلل است و مشمول تهدید به لعنی که برای محلل آمده است، و صورت نکاح او را از این لعن نمی‌رہاند. همچنین حدیث بر این دلالت دارد که هر چه از آن حرام کردن حلال خدا یا حلال کردن حرام خدا قصد شود، گناه است، و در گناه بودن حیل برای انجام کار حرام هیچ تفاوتی نمی‌کند که کار حرام را انجام دهد یا آنچه را در شرع برای هدفی دیگر وضع شده است، وسیله‌ای برای رسیدن به حرام قرار دهد (بحیری، ۱۳۷۶، ص ۱۵۲).

از سیاق کلام فقهای اسلامی روشن است هرگونه قصد و نیتی که خلاف نیت و اغراض و اهداف شریعت و شارع مقدس باشد تحت هر عنوانی باطل و عمل به آن حرام می‌باشد، از جمله اگر بیگانگان با نیت سلطه بر کشورهای اسلامی درصدد بستن قرارداد اقتصادی و... باشند، عقد مذکور باطل و عمل به آن از نظر این دیدگاه حرام خواهد بود.

### ۳- قاعده نفی سبیل

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمُ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْذِرْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»، همان منافقان که در انتظار فرصتند تا اگر فتحی از ناحیه خدا نصیب شما شود خود را از شما دانسته، می‌گویند: مگر ما با شما نبودیم و اگر نصیب کافران شود به آنان می‌گویند: مگر نبود که ما رهنمودهای خود را به شما قبولانندیم و نمی‌گذاشتیم به دین مؤمنین بگروید، ولی خدا در قیامت بین شما حکم خواهد کرد و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر مؤمنان داشته باشند (نساء، ۱۴۱).

فقهای اسلامی از آیات متعدد قرآنی که نفی سلطه منافقان، یهودیان و کفار<sup>۲</sup> را دربر داشته است، قاعده‌ای کلی به نام *قاعده نفی سبیل* را استخراج نموده‌اند که براساس این قاعده هرگونه سلطه بیگانگان بر جامعه اسلامی و مسلمانان از نظر فقه اسلامی، امری نادرست و هرگونه ارتباطی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد، به گونه‌ای که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع و حرام تلقی می‌شود.

مؤید قاعده نفی سبیل در روایات، روایت «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُونَ» می‌باشد، «اسلام نسبت به سایر مکاتب و ملل، همیشه برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران به منزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴).

براساس این قاعده، راه هر نوع نفوذ و سلطه کفار بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را نیز دربرمی‌گیرد و به لحاظ اقتصادی کلیه قراردادها و عقود که منجر به استیلاء و برتری کشورهای اجنبی بر ممالک اسلامی شود، این عقود باطل و عمل به آن حرام می‌باشد. این قاعده دو جنبه دارد: یکی ایجابی و دیگری سلبی. در جنبه ایجابی با تطبیق قاعده با اقتصاد مقاومتی می‌توان به این نکته اشاره کرد که می‌بایست راهکارهایی دقیق و مستحکم جهت حفظ استقلال، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بوجود آورد تا ممالک اسلامی تحت سلطه و وابستگی کشورهای اجنبی قرار نگیرند و از جنبه سلبی، کلیه قراردادهایی که منجر به سلطه بیگانگان بر منابع اقتصادی و حاکمیتی ممالک اسلامی می‌گردد، نفی شده است، زیرا تمامی آن قراردادها براساس این قاعده ناقض اهداف و اغراض شارع مقدس می‌باشد.

#### ۴- ممنوعیت بکارگیری خدعه، حيله، مکر و فریب در اسلام با رویکرد قصد و نیت

از واژه‌هایی همچون کید، خدعه، مکر، حيله و واژه‌هایی مشابه به آن، در فرهنگ عامه زمانی بهره می‌برند که شخص سعی دارد خلاف آنچه که ظاهر آن اقتضاء دارد، کاری انجام دهد و قصد و نیتش خلاف ظاهر عمل باشد. همچنین برای کاری که انسان را به مقصود می‌رساند، علی‌رغم اینکه ظاهر و باطن یکسان دارد، اما ذهن از راه یافتن به آن مقصود غافل است. آنچه مسلم است این واژگان بیشتر در خصوص موارد نکوهیده بکار می‌رود و همین معنا در فرهنگ عامیانه در خصوص این واژگان شناخته‌تر شده‌تر است.

<sup>۲</sup> از موارد دیگری که در آیات قرآن به صورت ضمنی، آیه نفی سبیل کافران و استقلال مسلمانان را تأیید می‌کند، می‌توان به عزت مسلمانان (نساء، ۱۳۹؛ فاطر، ۱۰؛ منافقون، ۸) نپذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران (مائده، ۵۲-۵۱)، عدم میل و اعتماد به کافران (هود، ۱۱۳)، پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان (آل عمران، ۱۵۰-۱۴۹؛ مائده، ۴۹)، روی پای خود ایستادن (فتح، ۲۹)، نداشتن دوستی صمیمانه با مشرکان (آل عمران، ۱۱۹-۱۱۸؛ مائده، ۵۷) و آیاتی که دشمنی کافران و مشرکان با مسلمانان را گوشزد می‌کند و خواستار هوشیاری مسلمانان در برابر نقشه‌ها و توطئه‌های آنان است، اشاره کر (دائرة المعارف قرآن کریم، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۵۴).

با عنایت به همین معنای عامیانه است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ؛ فَإِنِّي سَمِعْتُ جِبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ الْمَكَرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ»، «کسی که مسلمان باشد، نه نیرنگ می‌زند و نه حيله‌گری می‌کند، زیرا از جبرئیل علیه السلام شنیدم که می‌گفت: همانا نیرنگ و حيله‌گری در آتشند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۴۲، ح ۱۶۱۹۸؛ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۰، ح ۳۴۵۵۶۵). در این راستا است که حضرت علی (ع) درباره مکر و حيله می‌فرماید: «إِنَّ الْمَكَرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ، فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى وَجَلٍ وَ مِنْ صَوْلَتِهِ عَلَى حَذَرٍ»، «نیرنگ و حيله‌گری در آتشند، پس از خداوند عزّ و جلّ و از یورش او بر حذر باشید (ابن شعبه حرّانی، ۱۲۹۷ق، ص ۱۵۴). حضرت در نکوهش نیرنگ و خدعه می‌فرماید: «أُولَا أَنْ الْمَكَرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمَكْرَ الْعَرَبِ»، «اگر نبود که مکر و خدعه در آتشند، هر آینه من مکارترین عرب بودم» (صدوق، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۲۷۱؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۷). اما برخلاف جنبه‌های منفی مکر، خدعه، کید، گاه این واژگان در معنای ستوده بکار می‌روند. در این معنا بدون شک مراد از مکر، خدعه، نیرنگ، برانگیختن مردم به انجام کارها با تدبیر و اندیشیدن است و نوعی چاره‌جویی مثبت را می‌رساند، مثلاً به کودکی که دارو نمی‌خورد، دارو را آغشته به عسل یا شیرینی کنند تا طعم تلخ آن مزاج کودک را آزار ندهد. مبین خدعه مثبت آنجا است که رسول خدا (ص) در جنگ خندق فرمودند: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ» (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۱۳۳) و نیز فرمودند: «تُكَلِّمُوا بِمَا ارْتَدْتُمْ»، یعنی آنچه را که می‌خواهید درباره نابودی دشمن (با گفتن دروغ) به زبان بیاورید، آزاد هستید (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۱۳۳) و در تواریخ آمده است که حضرت علی (ع) در جنگ خندق عمرو بن عبدود را به کار دیگری مشغول کرد و سپس به پای او شمشیر زد که قطع شد. عمرو گفت: ای علی خدعه کردی. حضرت جواب داد: «الْحَرْبُ خُدْعَةٌ»، «جنگ، فریب است» (محمد حسن نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۷۹). همچنین پیامبر (ص) می‌فرماید: «ثَلَاثٌ يَحْسِبُنَّ فِيهِنَّ الْكُذْبَ: الْمَكِيدَةُ فِي الْحَرْبِ وَعَدَّتُكَ زَوْجَتُكَ وَالْإِصْلَاحَ بَيْنَ النَّاسِ»، «در سه جا دروغ نیکوست، فریب در نبرد و وعده به همسر خود و سازش دادن میان مردمان» (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۶۹). بر همین اساس است که مفسران با تدبیر در آیات قرآن می‌فرمایند: مکر می‌تواند دو جنبه پسندیده و نکوهیده داشته باشد، خداوند متعال می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَكْرٌ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ» (فاطر، ۱۰)، «کسی که خواهان عزّت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزّت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد؛ و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می‌شود (و به جایی نمی‌رسد)!» «وَاسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَ مَكْرُ السَّيِّئِ وَ لَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر، ۴۳)، «اینها همه به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آنها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی!». در این آیات مکر در معنای ناپسند آن بکار رفته است.

آنچه در مطالب فوق ذکر شد خدعه در مفاهیم مذموم آن از دیدگاه شریعت می‌باشد، لیکن در موارد ذیل خدعه و مکر به مفهوم مثبت یکی از ترفندهای مثبت جهت جلوگیری از برتری دشمنان اسلام بکار می‌رود، از جمله:

آیه ۵۴ سوره آل عمران: «ومکروا ومکر الله والله خیر الماکرین»، «و (دشمنان) مکر ورزیدند و خدا (در پاسخشان) مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است»،

آیه ۳۰ سوره انفال: «واذ یمکر بک الذین کفروا لیثبوک او یقتلوک او یخرجوک ویمکرون ویمکر الله والله خیر الماکرین»، «و (یاد کن) هنگامی را که کافران درباره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا (از مکه) اخراج کنند و نیرنگ می‌زدند و خدا تدبیر می‌کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است»،

آیه ۵۰ سوره نمل: «ومکروا مکرًا ومکرنا مکرًا وهم لا یشعرون»، «و دست به نیرنگ زدند و (ما نیز) دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند»،

آیه ۲۱ سوره یونس: «واذا ادقنا الناس رحمة من بعد ضراء مستهم اذا لهم مکر فی آیاتنا قل الله اسرع مکرًا ان رسولنا یکتبون ما تمکرون»، «و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده است رحمتی بچشانیم، به ناگاه آنان را در آیات ما نیرنگی است، بگو نیرنگ خدا سریع‌تر است، در حقیقت فرستادگان (فرشتگان) ما آنچه نیرنگ می‌کنید، می‌نویسند»،

آیه ۴۲ سوره رعد: «وقد مکر الذین من قبلهم فله المکر جمیعاً...»، «و به یقین کسانی که پیش از آنان بودند، نیرنگ کردند، ولی همه تدبیرها نزد خداست...»

در آیه ۹ سوره بقره و ۱۴۲ سوره نساء، خدعه و فریب نیز به خداوند نسبت داده شده است که از دو جهت جنبه ممدوح آن مراد است. از بررسی این آیات شریفه به دو مورد پی می‌بریم:

اولاً، منظور از مکر خدا در این آیات همان تدبیر خداوند و تقدیرهایی است که به حرمان و عذاب بدکاران می‌انجامد، و این تدبیر در مرتبه دوم و پس از مکر بندگان و به مقتضای عدالت عملی پسندیده است، ثانیاً، مکر در مقابل مکر، ممدوح است، و در این آیات نیز مکر و حيله خداوند سبحان در مقابل مکر آمده و پسندیده است. به عبارت دیگر، خداوند به کسی حيله و خدعه نمی‌کند و کسی را فریب نمی‌دهد. آنچه در این زمینه از نظر فقها نیز مهم است، این است که منشاء فریب دادن و حيله کردن، جهل و نقصان است و خداوند سبحان از این نقایص مبرا است. ولی کسی که از هدایت خداوند روی می‌گرداند، گرفتار سخط و غضب حق تعالی می‌شود. این معنای دیگر مکر خدایی است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۴۷۱؛ سید علی اکبر قریشی، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۲۶۵؛ سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۲۳).

در خصوص کید نیز که از واژگان در معنای مشابه با حيله می‌باشد نیز همان جنبه مثبت و نفی آن مورد توجه است، «فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ» (یوسف، ۲۸)، «چون شوهر دید که پیراهن از پشت سر دریده است، گفت: این از مکر شما زنان است، که مکر و حيله شما زنان بسیار بزرگ و حیرت‌انگیز است».

«فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ» (یوسف، ۷۶)، «پس (یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان پیش از بار برادر کرد، آخر آن مشربه را از بار برادر خود (بنیامین) بیرون آورد. این تدبیر را ما به یوسف آموختیم، که در آیین ملک این نبود که بتوان آن برادر را به گرو بگیرد، جز آنکه خدا بخواهد (و دستوری از طریق وحی به یوسف بیاموزد. و ما که خدای جهانیم) هر کس را بخواهیم به مراتب بلند می‌رسانیم و (تا مردم بدانند که) فوق هر دانشمندی دانشمندتری وجود دارد». در این آیه مشاهده می‌نماییم که خداوند کید را به معنای تدبیر به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: «كِدْنَا لِيُوسُفَ»، «تدبیر کردیم و تدبیر آموختیم برای یوسف». از بررسی این سه واژه در اهل لغت موارد زیر برداشت می‌شود:

مکر، معمولاً در کنار حيله به کار می‌رود و عموماً با آن از لحاظ معنایی برابر است، «مکر، فریب، نیرنگ و زرنگی، مکره، خدعه کار، مکار: حيله گر، آب زیرکاه، ناقلا، ماکر: فریبنده، بداندیش» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۸۳). همچنین در لغتنامه دهخدا آمده است: در المنار برای مکر گفته شده، مکر در اصل تدبیر مخفی است که مکر شده را به آنچه گمان نمی‌کرد، می‌کشد و اغلب در تدبیر بد بکار می‌رود. اینکه در قاموس المحيط گفته مکر، خدیثه، و در صحاح آمده مکر، احتیال، و خدیعه هر دو معنای غالب را در نظر گرفته‌اند (دهخدا، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۶۷).

خدعه از لحاظ معنایی با مکر و حيله، نیت بد داشتن، نیرنگی که در جنگ بکار می‌رود، خداع و مخادع یعنی حيله گر و حقه‌باز و خدیع به معنای کسی است که در دوستی به او اعتماد نمی‌توان کرد در این مفهوم خدعه را ابن منظور در معنای غالب منفی در نظر می‌گیرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۶۳). «کلمه خدعه، کلمه‌ای است قرآنی، هم معنا با حيله، و مشتقات آن که ۸ بار در آیات مختلف بکار رفته است» (عبدالباقی، ۱۳۶۴ق، ص ۲۲۷). همچنین در لغتنامه دهخدا آمده است: «خدعه به معنی مکر و فریب است و خدیعه به معنی خدعه، مکر و حيله می‌باشد که خدای جمع خدعه است (دهخدا، ۱۳۳۸، ج ۴، ص ۳۰۶).

کید هم همانند مکر هم به صورت مثبت و هم به صورت منفی در ممدوح و مذموم، در اهل لغت آمده است، اما آنچه به ذهن متبادر می‌شود همان معنای مذموم آن در درجه اول می‌باشد. کید، نیرنگ، تزویر، بدسگالی و کیدی از روی مکر و حيله (سیاح، ۱۳۷۷، ص ۱۷۷۰).

«کید نوعی حيله است که گاهی مذموم و گاهی ممدوح است، هرچند در مذموم بیشتر است، اما زمانی که می‌خواهیم از کید در مفهوم ممدوح استفاده کنیم، بهتر آن است که روشن کنیم از کید در معنای مثبت و ممدوح استفاده می‌نماییم، مثل «کذالك کدنا لیوسف»، که در معنای مثبت بکار رفته است (یوسف، ۷۶) (راغب اصفهانی، بی تا، ص ۲۵).



از آنچه بیان شد به وضوح قابل رویت است که تمامی نیت و اعمالی که در آن مکر، خدعه و حيله و امثال آن به معنای مذموم بکار رفته و با روح شریعت سازگاری نداشته باشد، از نظر اسلام باطل و عمل به آن حرام می‌باشد. لذا، هنگامی که با رویکرد جامعه‌شناختی به این واژه‌ها و نوع آسیب‌هایی که می‌توانند به جامعه مسلمین وارد کنند، نگاه شود، درمی‌یابیم کلیه فریب‌هایی که منجر به آسیب اقتصادی به نظام اسلامی شود، نه تنها از درجه اعتبار ساقط است، بلکه عقوبت الهی نیز خواهد داشت. در این راستا، کلیه حیل‌هایی که تحت عنوان فرار از ربا صورت می‌گیرد و ضربه به نظام اقتصادی ممالک اسلامی وارد می‌نماید، باطل و حرام می‌باشد. موبد این نظر، بیانات معمار بزرگ انقلاب اسلامی امام خمینی، هم‌سو با برخی از دیگر فقهای امامیه در منع استفاده از حیل ربا می‌باشد.

حیله‌های ربا با مقاصد احکام و حکمت تحریم که مبارزه با ظلم است، منافات دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۸۸؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۴).

مخالفت حیل شرعی با دلیل عقل: امام خمینی می‌فرماید: «اگر حيله به این آسانی از حیث نتیجه مصحح رباخواری شود، چرا رسول خدا(ص) که پیامبر(ص) رحمت است به آن آگاهی نداد تا امت در آن حرامی که اعلام جنگ با خدا و رسول است و درهمی از آن، بزرگ‌تر از هفتاد زنا با محرم می‌باشد، نیفتد؟ (امام خمینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۴۵). همچنین چگونه امکان دارد ربایی که موجب مفساد اقتصادی و اجتماعی و سیاسی است و علمای اقتصاد بدان اشاره کرده‌اند، چگونه امکان دارد به وسیله حيله‌های شرعی آن را حلال کرد؟! (امام خمینی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۵۴۰-۵۴۱). در این راستا امام خمینی به وضوح یکی از علل تحریم حیل ربا را ضربه زدن به اقتصاد و جامعه اسلامی می‌داند. لذا، در جهت پوشش نقاط ضعف، واجب است مسلمانان از حیل ربا پرهیز کنند تا اقتصادی پویا و جامعه‌ای در جهت رشد و توسعه داشته باشند. همچنین، محقق اردبیلی در مسئله حیل توقف، حکم به حرمت حيله‌های ربوی داده است. همچنین مقدس اردبیلی در کتاب *جمع الفائده والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان* با توجه به مقاصد تشریح احکام و حکمت آن و حرمت معاملات ربوی، هرگونه استفاده از حيله‌های ربا را ممنوع می‌داند و حکم به حرمت آن می‌دهد (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۸۸). وحید بهبهانی در کتاب *حاشیه‌ای بر شرح مجمع الفائده والبرهان* به مخالفت شدید با حيله‌های ربوی می‌پردازد و بکارگیری این نوع حيله‌ها را سبب حلیت ربا نمی‌داند و به اقوال فقهای که جواز استفاده از حیل شرعی را در ربا می‌دهند، خدشه وارد می‌نماید و می‌گوید، باید تأمل کرد (بهبهانی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۱، ۳۱۴).

## ۵- بیانات مقام معظم رهبری در مورد اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی نکاتی شایان توجه دارد که از سیاق بیانات مقام معظم رهبری بدست می‌آید سرمایه‌های کشور می‌بایست در جهت چرخه تولید ملی و رونق اقتصادی باشد، نه اینکه تحت عنوان سود بانکی سدی در برابر رونق، تولید و اقتصاد اسلامی باشد. لذا، ایشان می‌فرمایند: «از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و خصوصیات اقتصاد مقاومتی، درون‌زایی است. درون‌زایی یعنی تولید ثروت به‌وسیله فعالیت درونی کشور انجام بگیرد، چشم به بیرون نباشد، نگاهمان به بیرون نباشد.

در طول سال‌های گذشته، در دولت‌های مختلف، چندبار می‌خواستند از بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول، وام بگیرند، بنده نگذاشتم، جلوی او را گرفتم، مقدمات را فراهم کرده بودند که این کار را انجام بدهند. اینکه ما از بیگانه طلب بکنیم و متعهد در مقابل بیگانه بشویم، این خطای بزرگی است. باید اقتصاد درون‌زا باشد. البته معنای درون‌زا بودن اقتصاد این نیست که درهای کشور را ببندیم، نه. ما گفته‌ایم «درون‌زا و برون‌گرا» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۰۱/۰۱). به نظر می‌رسد یکی از معضلات وام گرفتن از دولت‌های خارجی براساس قاعده نفی سبیل<sup>۳</sup> ضرر وارده به جامعه اسلامی باشد که رهبر معظم انقلاب با درایت و تیزبینی جلوی این اختلال در نظام اقتصادی توسط دولت‌های سلطه‌گر را گرفته‌اند. از جمله مواردی که می‌تواند به عرصه تولید و رونق داخلی کمک شایان و قابل توجهی نماید، خروج پول‌های در گردش بانکی و استفاده آن در بخش تولیدات می‌باشد. جامعه‌ای که فقط به فکر سود (ربا) نباشد، و به طریق صحیح دست به قراردادهای تجاری، تولید و... بزند، نه تنها دچار معضلات ربا نمی‌شود، بلکه چرخه اقتصاد کشور را به حرکت درمی‌آورد. توصیه فقهای اسلام نیز بر این مطلب تاکید دارد که اگر قراردادی بین طرفین منعقد می‌شود، قرارداد صوری نباشد و تحت عنوان عقود اسلامی به آن عمل شود. همان طوری که از آیت الله جوادی آملی در خصوص سود بانک بابت سپرده‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت که از ایشان سوال شد و ایشان فرمودند: «در صورتی که برابر عقود اسلامی باشد، حلال است»<sup>۴</sup>.

مؤید دیگر جامعه‌ای با اقتصاد پویا و مقاوم این سخن مقام معظم رهبری است که می‌فرماید: «عرض می‌کنم در آیه‌ی شریفه‌ی «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» به احتمال زیاد منظور از «قُوَّةٍ» فقط قوه‌ی نظامی نیست؛ البته قوه‌ی نظامی هم است، اما فقط قوه‌ی نظامی نیست. «اعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، هرچه می‌توانید، درون خودتان را قوی کنید». معنای این استحکام ساخت داخلی کشور که بنده مکرر می‌گویم، این است. از لحاظ علمی خودتان را قوی کنید، از لحاظ فناوری خودتان را قوی کنید، از لحاظ تولید داخلی قوی کنید، از لحاظ نفوذ در بازارهای خارجی قوی کنید، از لحاظ کشف ظرفیت‌های فراوانی که در این کشور هست و هنوز استفاده نشده است، قوی کنید و این ظرفیت‌ها را به کار بگیرید (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱۱/۲۷).

به راستی یکی از معضلاتی که در نظام اقتصادی کشور اختلال ایجاد می‌کند، استفاده از حیلی است که راه را برای گرفتن ربا باز می‌کند و جلوی چرخه تولید جامعه را می‌گیرد. باید به این سخن مقام معظم رهبری توجه ویژه شود که می‌فرماید:

«خودمان را بایستی درست کنیم، اصلاح کنیم که از ضعف‌های ما دشمن استفاده نکنند. امروز چشم دوخته‌اند دشمنان ما به نیازها و کمبودها و اختلالات اقتصادی داخل کشور. اینکه ما مرتب راجع به مسئله‌ی اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و مانند اینها در این چند سال مرتب اول سال، وسط سال، آخر سال می‌گوییم، تکرار می‌کنیم، به‌خاطر این است که دشمن به این نقطه‌ی خاص توجه کرده است. [می‌خواهند] اقتصاد کشور را خراب کنند، وضع مردم بد باشد، جیب مردم خالی بشود، امکانات مردم کم بشود، پول مردم بی‌ارزش بشود، قدرت خریدشان کم بشود تا ناراضی بشوند؛ هدف، این است. مردم را از اسلام و از نظام اسلامی ناراضی کنند؛ این، هدف دشمن است.»

<sup>۳</sup> «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا».

<sup>۴</sup> [http://ierc.sbu.ac.ir/FA/Estefte-AzSafeAsli\\_Reba.html](http://ierc.sbu.ac.ir/FA/Estefte-AzSafeAsli_Reba.html)

لذا روی اقتصاد تکیه می‌کنند برای اینکه وضع مردم خراب بشود تا به خاطر خرابی وضع، از اسلام و از نظام اسلامی منصرف بشوند. خب این وظیفه‌ی کیست که در مقابل این وضعیّت ایستادگی کند؟ وظیفه‌ی همه، وظیفه‌ی دولت است، وظیفه‌ی مجلس است، وظیفه‌ی مسئولین گوناگون است، وظیفه‌ی آحاد مردم هم است. همه وظیفه داریم، باید انجام بدهیم (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰).

با عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی، رونق تولید و جهش تولید، آنچه مهم و ضروری به نظر می‌رسد، این مطلب است که تا جایی که می‌شود از منابع داخلی جهت رونق تولید بهره‌برداری شود و أخذ وام‌ها و قراردادهای تجاری با کشورهای سلطه‌گر به حد اقل برسد و نیز تشکیل کمیته تخصصی می‌باشد که به صورت جامع قبل از هرگونه انعقاد قراردادی به بررسی نیات و مقاصد کشورهای سلطه‌گر پردازد تا مبادا راه نفوذشان بر ممالک مسلمین باز شود.

### ۶- مقاصد الشریعه و اقتصادی مقاومتی

از منظر روح کلی احکام جامعه اسلامی و به لحاظ بنای عقلا در مقاصد الشریعه این موضوع حائز اهمیت است که سیره و روش عقلا بر این استوار است که هرگاه دستور و فرمانی از جانب شارع جهت رسیدن به هدف و غرضی خاص صادر شود، مادامی که آن غرض پابرجاست، حکمی مغایر با آن غرض نمی‌دهد. این مسئله که شارع دارای هدف و غرض خاصی از تشریح احکام است، جزو مدرکات عقل نظری می‌باشد. لیکن این مطلب با عقلایی بودن آن منافات ندارد و حاکم بر این مطلب هم عقل است هم عقلا (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۹۱). هنگامی که از منظر مقاصد الشریعه به واژه‌هایی مانند خدعه، حيله و مکر نگاه شود، این سوال پیش می‌آید که آیا تحت عنوان راه‌های برون‌رفت از تنگناها و مضایق می‌شود مقاصد الشریعه، اغراض و اهداف شارع نادیده انگاشته شود. به تعبیر دیگر، اگر ظاهر اعمال با باطن آن مغایرت داشته باشد، مشروعیت خواهد داشت. مشهور فقهای امامیه در باب حیل شرعی بر این اعتقادند که حیل شرعی مجاز و همین که ظاهر اعمال درست باشد، کفایت می‌نماید و از این لحاظ برخی در تعریف حیل آورده‌اند، «هی حفظ ظواهر قوانین الشرع و ان کان روحها غیر موجوده»، حيله عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع، اگرچه روح قانون وجود نداشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). حنفی‌ها و شافعیان معتقد به جواز حیل شرعی می‌باشند و ابوحنیفه بر این اعتقاد است که بعضی از حیل اگرچه باطل باشد، ولی امکان دارد نافذ عقد باشد. همچنین بر این اعتقادند که «کل حيله‌هایی که جهت خلاص شدن و رهایی از حرام و توصل به آن در جهت رسیدن به امور حلال و حسنه باشد، مشروع است» (ابی حنیفه نعمان، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۳۹۰). اما در مقابل آنها، مالکی‌ها و حنابله معنای منفی حیل را غالب می‌دانند و بر این اعتقادند که حيله اسبابی است که مکلف در جهت اسقاط واجب از نفس خود یا اباحه حرامی انجام می‌دهد، به گونه‌ای که حيله در ظاهر به صورت غیر واجب، عملی واجب را نشان می‌دهد و طوری بدان می‌پردازد که غیر واجب جلوه می‌کند. همچنین عمل حرام را در ظاهر حلال انجام می‌دهد (شاطبی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۷۹). در راستای اغراض و اهداف شارع مقدس، امام خمینی و جمعی دیگر از فقهای امامیه استفاده از حیل شرعی را در ابواب ربا حرام و باطل می‌دانند. امام خمینی و مقدس اردبیلی در این خصوص عقیده دارند حيله‌های ربا با مقاصد احکام و حکمت تحریم که مبارزه با ظلم است، منافات دارند (مقدس اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۴۸۸؛ امام خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۴۵-۵۴۴).

همچنین صاحب جواهر در بحث عدم جواز برخی از حیل (حیل فرار از زکات) با تکیه به اغراض و مقاصد شارع از تشریح احکام می‌فرمایند: «کل شیء تضمن نقض غرض اصل مشروعه الحکم، یحکم ببطلانه» (نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۲، ص ۲۰۲). هر آنچه باعث و دربرگیرنده نقض غرض اصلی تشریح یک حکم گردد، حکم به بطلان آن می‌گردد. نهایتاً، مشهور فقهای اسلامی، در مقامی که حیله و امثال آن به اصل دین و مقاصد الشریعه لطمه وارد کند و موضوع حکم را عوض کند به وضوح براساس مقاصد و اغراض شارع، حکم به بطلان و حرمت آن می‌دهند. در این راستا، سخت‌گیری‌های حلی‌ها، مقدس اردبیلی، امام خمینی، مالکی‌ها و حنبلی‌ها در خصوص حیل ربا، موید طرق استحکام نظام اقتصادی اسلام می‌باشد و تضادی با روایات خاصه جواز استفاده از حیل شرعی ندارد، بلکه این سخت‌گیری‌ها راه‌های ضربه زدن به اقتصاد کشورهای اسلامی را می‌گیرد. مقام معظم رهبری نیز در استفتائاتی که از ایشان نموده‌اند به کرار معاملاتی که بویی از ربای قرضی یا معاملاتی را داشته باشد را حیله‌های فرار از ربا می‌دانند و شرعاً آن را حرام اعلام می‌نمایند.<sup>۵</sup> در راستای استحکام اقتصاد جامعه اسلامی، موارد جواز استفاده از حیل شرعی در عقود به این ختم می‌شود که اولاً، از حیله جهت رسیدن به امر حرام استفاده نشود، ثانیاً، خود حیله وسیله یا اسباب حرام در جهت رسیدن به هدف نباشد. ثالثاً، بکارگیری حیله سبب تغییر حکم حرمت شود. اگر بکارگیری حیله، خدعه و امثال آن شائبه ضربه زدن به اقتصاد اسلامی و مردم را بوجود بیاورد، براساس قاعده نفی سبیل و لاضرر و لاضرار فی السلام، عمل به آن حرام و باطل می‌باشد.

نظر شارع در تحریم ربا ما را به این قاعده رهنمود می‌کند که «کل شیء تضمن نقض غرض اصل مشروعه الحکم، یحکم ببطلانه»، «هر آنچه باعث و دربرگیرنده نقض غرض اصلی تشریح یک حکم گردد، حکم به بطلان آن می‌گردد» (نجفی، ۱۴۱۴ق، ج ۳۲، ص ۲۰۲). از سیاق صحبت ابوالفتوح راضی حکم ممنوع بودن نقض غرض به صورت کلی برداشت می‌شود: «و پیغمبران (ع) ارتکاب قبایح نکنند و اخلاقی به واجب نکنند، برای آن که منفر باشد از قبول قول ایشان، و هرچه منفر باشد، واجب بود که ایشان از آن منزه باشند تا غرض قدیم تعالی منتقض نشود به بعثت ایشان، چه غرض به بعثت ایشان قبول و امثال است» (رازی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۸). علامه حلی نقض غرض شارع حکیم را منافی حکم می‌داند: «فلأنه تعالی حکیم و نقض الغرض ینافی الحکمه» (حلی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲۵). همچنین، قمی در کتاب جامع الشتات فی أجوبه السؤالات در خصوص «حکمت احکام» می‌فرماید: «حکمت احکام، خیلی روشن است که فرار از ربا به وسیله اضافه کردن (ضم چیزی)<sup>۶</sup> اگر جایز باشد، نقض غرض در احکام الهی، لازم می‌آید و این اجماعاً ممنوع است (قمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۱).

<sup>۵</sup> سوال ۱۶۲۶: اگر شخصی نیاز به مبلغی پول داشته باشد و کسی را پیدا نکند که به او قرض الحسنه بدهد، آیا جایز است برای دستیابی به آن مبلغ به این طریق عمل نماید که کالایی را به صورت نسبه به بیش از نرخ حقیقی آن بخرد و سپس آن را در همان مجلس به قیمت کمتری به فروشنده بفروشد، مثلاً یک کیلوگرم زعفران را به مبلغ مشخصی به طور نسبه برای مدت یک سال بخرد و در همان مجلس آن را به صورت نقد به شخص فروشنده به مبلغ دو سوم قیمت خرید بفروشد؟  
جواب: چنین معامله‌ای که در واقع نوعی حیله برای فرار از ربای قرضی است، شرعاً حرام و باطل است.  
<sup>۶</sup> ضمیمه یعنی گرفتن ربای واقعی با استفاده از ضمیمه.

امام خمینی بر این نظر است که مجتهد روح حاکم بر احکام شریعت را می‌بایست مد نظر قرار دهد و براساس آن افق دید خودش را از مدلول‌های لفظی احکام فراتر ببرد. در این راستا صرفاً به این موضوع که حکمی در ظاهر مطابق با قواعد و اصول استنباط باشد، راضی نمی‌شود، بلکه اگر حکمی به ظاهر مطابق با احکام شریعت، ولی در باطن با مصالح عمومی بشر در تضاد باشد، حکم به بطلان آن می‌دهد و آن را نمی‌پذیرد. امام خمینی با تدبر و دقت نظر در این مقوله که ظاهر و باطن اعمال می‌بایست مطابق با نظر، اهداف و اغراض و مقاصد شارع مقدس باشد، برخی از روایات، حتی روایاتی را که با مصالح شریعت و روح قانون‌گذاری هماهنگ نیست را از دلیل سند و صحت روایت خدشه وارد می‌آورد و می‌گوید، علی‌رغم اینکه برخی از روایات باب ربا دارای سندی صحیح است، ولی بنده به لحاظ دلالت آن را نمی‌پذیرم. ایشان در مقام استنباط احکام به حکم عقل، اعتباری برای اینگونه احادیث قائل نمی‌شود و در تحریر الوسیله می‌فرمایند: «ذکروا للتخلص من الربا وجوهاً مذکورة فی الكتب و قد جددت النظر فی المسألة فوجدت ان التخلص من الربا غیر جائز بوجه من الوجوه...». برای رهایی و فرار از ربا، فقها در کتب خود مواردی را یادآور شده‌اند که بنده در آن تجدیدنظر نموده و هیچ کدام از آنها را قبول ندارم (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۶۴). در مقامی دیگر در خصوص ربا می‌فرمایند: «تخلص از ربا نزد اینجانب اشکال دارد، بلکه جایز نبودن آن قوی است». ایشان به اینگونه احتیاط کردن در مسئله حیل ربا را واجب می‌دانند. همچنین ایشان در کتاب بیع در خصوص ربا می‌فرمایند: «ان الربا مع هذه التشديدات والاستنکارات التي ورد فيه فی القرآن الکریم والسنة من طریق الفریقین مما قل نحوها فی سائر المعاصی و مع ما فيه من المفاسد الاقتصادية والاجتماعية والسياسية مما تعرض لها علماء الاقتصاد كيف يمكن تحليله بالحیل الشرعية كما وردت بها الاخبار الكثيرة الصحيحة، و افتى بها الفقهاء الأ من شد منهم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۶-۴۰۵). با وجود این همه تشدیدها و انکارهایی که در خصوص ربا، در قرآن کریم و سنت، از طریق شیعه و سنی وارد شده است و مانند آن درباره سایر گناهان کمتر موردی وجود دارد و همچنین با وجود ضررهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن که علمای اقتصاد متعرض آنها شده‌اند، چگونه امکان دارد مسئله ربا با حیل‌های شرعی که در روایات صحیح فراوانی آمده و عده زیادی از فقها به آن فتوا داده‌اند، حلال شود. وی همچنین به آیات و روایاتی که در منع ربا صادر شده، می‌پردازد، همانند استدلال فوق تمامی حیل مورد استفاده در مبحث ربا را حرام می‌داند و در مقام توجیه آن دسته روایاتی که بر حیل شرعی ربا استدلال شده، می‌فرماید: «لو فرض ورود اخبار صحیحة دالة علی الحیلة فیهما لابد من تأویلها او رد علمها الی صاحبها، ضرورة ان الحیل لاتخرج الموضوع عن الظلم والفساد و تعطیل التجارات و غیرها مما هی مذکورة فی الكتاب والسنة... لو ورد نص فی الجواز کان مناقضاً للكتاب والسنة المستفیضة و لیس من قبیل التقیید والتخصیص... اذا کان الحکمة فی حرمة الربا ما ذکر من المفاسد لایجوز التخلص عنه فی جمیع الموارد بحيث لایشذ منه مورد، للزوم اللغو فی الجعل، فتحريم الربا لنکنته الفساد والظلم و ترک التجارات و تحلیلہ بجمیع اقسامه و افراده مع تغییر عنوان لا یوجب نقصاً فی ترتب تلك المفاسد من قبیل التناقض فی الجعل أو اللغویة فیہ» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۹).

به فرض اینکه قبول کنیم روایات مطرحه در این خصوص، صحیح هستند و دلالت بر ربای قرضی و معاملاتی دارند، اما می‌بایست به ناچار آنها را تأویل کنیم و یا فهمش را به صاحبانش برگردانیم، زیرا روشن است و امری بدیهی که حیل‌های فرار از ربا موضوع ربا را که ظلم بر ربا گیرنده است و موجب فساد و تعطیلی تجارت و سایر مواردی که در کتاب و سنت از آن نام برده شده را خارج نمی‌سازد و موضوع حکم را عوض نمی‌کند ... حتی اگر نسی هم بر جواز حیل شرعی دلالت داشته باشد، معارض و مناقضی در کتاب و سنت دارد و این معارض و مناقض از قبیل مقید و مخصص نیست که با تقید و تخصیص آن را نادیده گرفت ... در صورتی که حکمت و فلسفه مبارزه با ربا و حکم به حرمت آن به صورت روشن و صریح بیان شده و در هیچ یک از موارد فرار از ربا جوازی وجود ندارد، زیرا لغویت در جعل حکم را به همراه دارد، پس حرمت ربا به منظور جلوگیری از فساد و ظلم و ترک تجارتی است که بر آن مترتب می‌باشد و صورت می‌گیرد و حلال نمودن آن با تمامی اقسامی که دارد به همراه تغییر صوری و ظاهری در عنوان ربا نقصی ایجاد نمی‌کند و مفسد آن باقی می‌ماند. لذا، تناقض و لغویت در حکم حاصل می‌آید و با مقاصد شارع مقدس هم‌خوانی ندارد، اینگونه است که امام خمینی مبنای عمل به احکام را ظاهر و باطن اعمال می‌داند و برخلاف نظر برخی از فقها که می‌فرمایند فقط ظاهر اعمال درست باشد، مکلف وظیفه بندگی خویش را انجام داده است، نظر می‌دهند و روح و عبودیت بندگی در معاملات و عبادات را هماهنگی بین ظاهر و باطن اعمال می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۰۸).

## ۷- نتیجه‌گیری

از جمله ممیزات دین شریف اسلام با دیگر شریعت‌ها، اتکای به قواعد خاص و عامی است که به عدد نامتناهی با حوادث جاری کثرت می‌یابد تا راهگشای طریق سعادت انسان باشد و این قواعد انسجام‌دهنده قوانین در تمامی اعصار می‌باشد که موجب می‌شود هیچ تنگنایی از باب جعل شریعت اسلام با بروز و ظهور مسائل جدید بوجود نیاید، با توسعه فضاها و گوناگون در عصر جدید و گسترش و پیچیدگی عقود و روابط کشورهای اسلامی با دیگر ممالک، کیفیت پاسخگویی به مسائل از منظر فقهای عالم اسلام با نیازهای جامعه هماهنگ شده است. بر این اساس، تئوری جامعه‌شناختی مقاصد الشریعه در اقتصاد مقاومتی می‌بایست توجه شایانی به قصد و نیت اعمال شود و هنگامی که پای حيله و خدعه، مکر و دیگر تعبیر آن به میان می‌آید و شائبه لطمه زدن به اقتصاد اسلامی را دارد، حکم به بطلان و ممنوعیت آن دارد، زیرا چنین عقودی نه تنها با روح شریعت و اغراض و اهداف شارع مقدس منافات دارد، بلکه قوام و استحکام اقتصاد جامعه اسلامی را مورد هدف قرار داده و منجر به فروپاشی اقتصاد و حس اعتماد به نفس عمومی احاد جامعه می‌شود و از طرفی تمامی فقهای اسلامی بر این اعتقادند که جایی که پای اجنبیان به میان می‌آید و بیم آن می‌رود که کشورهای سلطه‌گر اجنبی با قراردادهای بانکی و غیره از بیرون، اقتصاد ممالک اسلامی را مورد حمله و تحت سلطه درآورند، براساس قاعده نفی سبیل نه تنها می‌بایست جلوی این جریان‌ها ایستاد، بلکه می‌باید در برابر آنها به مقابله پرداخت. اینجاست که بیانات مقام معظم رهبری راهگشای اندیشمندان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جهان اسلام خواهد بود و در این راستا کلیه اعمالی که با نیت سوء و به قصد حلال کردن حرام، اسقاط حق و نادیده گرفتن امری واجب، انهدام اهداف دین یا شریعت صورت گیرد، حکم به بطلان و حرام بودن آن داده می‌شود و از طرف جریان‌های خارجی سلطه‌گر نیز کلیه اقداماتی که منجر به ضرر و زیان، خدشه به کرامت جامعه اسلامی می‌شود، جزو جامعه هدف مقابله با تهدیدات قرار می‌گیرند.

## منابع

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۴۱۸ق). بیان الدلیل علی بطلان التحلیل. بیروت: چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، ج ۶.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دارصادر، ج ۵، ۸.
۳. بحیری، محمد عبدالوهاب (۱۳۷۶). حیلہ‌های شرعی ناسازگار با فلسفہ فقہ. ترجمہ حسین صابری. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری. استانبول: چاپ محمد ذہنی افندی، ج ۱.
۵. بہبہانی، محمدباقر (۱۴۱۷ق). الرسائل الفقہیہ. قم: مؤسسہ العلامہ المجدد الوحید البہبہانی، ج ۱.
۶. حرانی، ابن شعبہ (۱۲۹۷ق). تحفہ العقول. نسخہ چاپ سنگی.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعہ. قم: مؤسسہ آل البیت لإحياء التراث، ج ۱۲.
۸. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۸۲). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: مؤسسہ امام صادق(ع)، ج ۱.
۹. خامنہ‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطہر رضوی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۴۲۰۶۱>
۱۰. خامنہ‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۱/۲۷). بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۵۶۹۰>
۱۱. خامنہ‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۰۶/۳۰). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۴۴۲۹>
۱۲. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). ترجمہ تحریر الوسیلہ. تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱-۲.
۱۳. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۰۷ق). تحریر الوسیلہ. قم: مؤسسہ دارالعلم، ج ۲.
۱۴. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). تحریر الوسیلہ. تہران: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲.
۱۵. دہخدا، علی اکبر (۱۳۸۸). لغت‌نامہ. تہران: چاپ محمد ذہنی افندی، ج ۴، ۱۷.
۱۶. رازی، ابوالفتح (بی تا). تفسیر روض الجنان و روح الجنان. قم: دارالنشر، ج ۱۱.
۱۷. راغب اصفہانی، حسین بن محمد (بی تا). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دارالشامیہ.
۱۸. سیاح، احمد (۱۳۷۷). فرهنگ جامع نوین. تہران: انتشارات اسلام.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۴ق). الإیتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالکتب العربی، ج ۳.
۲۰. شاطبی، ابراہیم (۱۴۱۴ق). الموافقات. بیروت: دارالعلم عفا.
۲۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). خصال. ترجمہ مدرس گیلانی. تہران: جاویدان.
۲۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۸). من لایحضرہ الفقہیہ. ترجمہ محمدجواد غفاری. تہران: دارالکتب الاسلامیہ.
۲۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضرہ الفقہیہ. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم.



۲۴. عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۳ق). *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ج ۱۵، ۱.
۲۵. عبدالباقی، محمد فؤاد (۱۳۶۴ق). *المعجم المفهرس*. قاهره: انتشارات اسلامی.
۲۶. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۰۱ق). *فتح الباری: شرح صحیح البخاری*. بیروت: بولاق چاپ، ج ۱۲، ۱.
۲۷. قریشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس القرآن*. تهران: دارالمکتب الإسلامیه، ج ۶.
۲۸. قمی، ابوالقاسم (بی تا). *جامع الشتات*. نسخه چاپ سنگی (نرم افزار فقه اهل بیت).
۲۹. کلینی، ابوجعفر محمد (۱۴۰۷ق). *اصول کافی*. ترجمه جواد مصطفوی. تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی، ج ۲.
۳۰. گروه نویسندگان (۱۳۸۲). *دائرة المعارف قرآن کریم*. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. قم: پژوهشکده علوم انسانی ج ۳.
۳۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. تهران: دارالمکتب الإسلامیه.
۳۲. مقدس اردبیلی، احمد (۱۴۰۳ق). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*. ترجمه علی پناه اشتهااردی، حسین یزدی اصفهانی. قم: چاپ مجتبی عراقی، ج ۸.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *حیله‌های شرعی و چاره‌جویی‌های صحیح*. گردآوری ابوالقاسم علیان نژادی. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۳۴. نجفی، محمدحسن (۱۴۱۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۲۱.
۳۵. نعمان، ابوحنیفه (۱۴۱۱ق). *مسند*. قاهره: دارالمکتبه مصری، ج ۶.
۳۶. [http://ierc.sbu.ac.ir/FA/Estefta-AzSafeAsli\\_Reba.html](http://ierc.sbu.ac.ir/FA/Estefta-AzSafeAsli_Reba.html)